

مادران تیره روز ۵۸۷

پل سیکاری آنل ده از تصر
آن خود هدایات شوید

خواج خدمود مرغ زمزدن برداشت
و سیس طرف و سیسی حر کت نمود

مناهم سوچند که دراماتیک اذایات خارجی - ترجیه و انتباش

و اینل اینل میکن بعث بر کش

میکرد: «مواظی باش این مرد حقیقت

میگوید، کتف ارسیح است»

میکری شدیده بازتر

روزون را دوغل خود مشاهده

فروزان بزخود ناکپا منزیر شده

ایستاد پیمرد پا از دستوران کلوب تپه ناید.

پسر بر گردید پا شاکار دارم.

با تاره ازصر خارج شدهام

- آنل استخدام خروج و خط سیر

شلاره اصلخ داد و پیش چشم بدیال

شنا آسمم میخواست با شما صحبت

کنم - مایلیه بضر مراجعت کنم با

در شنی واه مقصود خود را خواهد

شد - لازم بیست مراجعت ناید

برای ازدواج ما فایل شده قطربای

لطای که بن دارد این ماموریت میکنم.

و اذار توهد و من بیز از احتمام آن

فاکریم - مار نیز انظر میعنی که

لست به از این دارد با همسری ماموقت

شتابم - شاه ازمن چه خواهشی دارید؟

چه میخواهید و یکوئیه

پس میکنم استهایم اپلیرید

چو صلاح وفع شما نظر دیگری ندارم.

پل پالجهه سطر جواب داد:

- از مراسم شما بیمار مشکم تکلیف

پشایم - پرمهایه خود را بکوید.

خواهشمن مقصود خود را بکوید.

و درون ساکت هد کو گویا نرید

دانست - پس لاسکوت کو تکمیل صحبت

برداشت - میدام که شاهزاده

کردهم - پنهان از حضور مراجعت

کافل سپاهار دولسکی که بیست و پنج

سال مراد ایل خیابان شاه (پیری) (تلن ۹۲۲۰ - آ-۱)

خیابان شاهنیب پیارستان شوروی

واریته

درسالون کلوب مرکزی حزب توده آران

روزهای ۲۹-۳۰ و ۳۱ نویوری ۱۳۴۴

